**مسائل جاري در حسابداري – جلسه چهارم – استاد يزدي فر**

***Chapter 12: Critical perspectives on accounting***

**Role of accounting research**

•Accounting researchers are seen as providing

research results and perspectives that help to

legitimise and maintain certain political ideologies

–eg. anti regulation stance and EMH during the late 1970s and 1980s matched

the views of government at the time

فصل 12 :دیدگاه های انتقادی در مورد حسابداری

نقش تحقیقات حسابداری

* تحقيقات حسابداري به اين صورت استنباط مي شود كه نتايج تحقيقات كه به اين ترتيب ارائه مي شود ديدگاهي باشد كه نظا م حسابداري موجود را مشروعيت ببخشد.وفرض شود كه سازمان به بهترين وجه خودش پيش مي رود مثلا اگر سود الان چنين مي باشد اگرروشي ديگري درنظر مي گرفتيم سود يا كمتر مي شد يا ريسك كار بالا مي رفت .

مثال : تفكيك كردن بعضي موانع قانوني كه براي موضوعات بازار كارا در سالهاي 1970تا 1980وجود داشت مطرح شد.اين استانداردهاي حسابداري در آن موقع تدوين وتاليف شدند تا نظرات دولت رادرآن موقع تاييد كنند .درواقع اين استاندارد ها ابزاري براي دولت شدند.

**Role of accounting research—continued**

–rise of ‘economic consequences’ research seems to have been motivated by desire of large corporations to counter attempts to change reporting systems and levels of disclosure

–research efforts into inflation accounting were seen as being motivated by a desire to alleviate (or ease or lessen) shifts in real wealth from owners to higher wages, not by rate of inflation

نقش تحقیقات حسابداری – ادامه

* پيامد هاي مسائل اقتصادي كه زياد شد وبحران هاي مالي كه به وجود آمد شركت ها آنقدر به هم وابسته شدند كه اگر يكي از آن ها به مشكل بر مي خورد شركت هاي ديگر نيز مشكل پيدا مي كردند.واين باعث تحريك ومشوق شد تا شركت هاي بزرگترآن ها را تشويق كردند كه آن تحقيقات كه در گزارشات مالي مي خواهند انجام دهند تحت تاثير ميزان افشاء كه مي خواهند انجام دهند قرا بگيرد. يعني در واقع شركت هاي بزرگ اين تاثير را گذاشتند به اين ترتيب كه با توجه به مشكلاتي كه براي سازمان هادر زمينه اقتصادي ممكن است به وجود بيايد گزارش هايي كه مي خواهند ارائه دهند تغيير پيدا كرده تا ميزان افشاء بيشتر ومناسب تر شود.
* تحقيقات كه در زمينه حسابداري تورم انجام شده مهم مي باشد.فرض كنيد كه حسابداري تورمي ممكن است به اين ترتيب ايجاد شده ورشد پيدا كرده باشد.كه بر اساس آن تمايل كه بوده اين جور نشان دهد كه سرمايه از طرف صاحبان شركت ها به سوي كاارگران مي رود نه براساس نرخ تورم بلكه بر مبناي كمتر وبيشتري . درواقع حسابداري تورمي مي گويد كه گروه هاي مختلف مي خواستند نشان دهند تا چه ميزان افزايش ارزش واقعي شركت ها آيا پيش صاحبان شركت باقي مي ماند يا به سمت مزد بگيران مي رود درواقع به ترتيبب مي باشد كه ميزان افزايش بيشتر سمت صاحبان شركت مي ماند و نرخ رشد وافزايش سرمايه شركت بيشتر از ميزان كه به كارگران داده مي شود هست .

**Role of accounting practice**

•Critical theorists see conceptual frameworks as legitimising the accounting profession and of financial reports produced by reporting entities

•accountants seen as imposing their own views about what performance characteristics are important or not important

نقش رويه وعمل حسابداري

* نظريه پردازان بحث هاي انتقادي اين مباني نظري حسابداري را مشروعيت مي دهند به فعايت حرفه حسابداري وگزارشات مالي كه واحد هاي گزارشگري ارائه مي دهند .به استناد آن مشروعيت پيدا مي كند .
* حسابداران هم ديد گا هاي خودشان را تحميل ووارد مي كنند.چه ويژگيها وخصوصيات عملياتي مهم هست يانه؟ درواقه حسابداران ازاين تكنيك ها استفاده مي كنند تا بگويند كداميك از عملكرد ها مناسب هست يانه ؟و نظر خو را به مجموعه تحميل مي كنند.

**Role of accounting practice—continued**

•Attention is directed to particular measures (eg. profits) through accounting

•*in communicating reality, accountants simultaneously construct reality*

•political economy perspective emphasises the role of accounting reports in maintaining social arrangements

•see corporate social reporting as harmful as it gives the impression of concern and change without any real change occurring

نقش رويه وعمل حسابداري – ادامه

* توجهات اين ها را جمع مي كنند به مقياسها وسنجش هاي خاصي همه ي مقياسها را در نظر نمي گيرند فقط مقياسهاي خاصي ار در نظر مي گيرند چرا كه مي خواهند در تصميمات ونتايجي كه حاصل مي شود نقش داشته باشد . مي دانيد وقتي سرمايه از يك شركت به شركت ديگر يااز يك پروژه به پروژه اي ديگر منتقل مي شود هميشه موقعيت يك عده تثيت وعده اي ديگر متزلزل مي شود .(مثال سود:حسابداران سود را به عنوان يك معيار خوب در نظر مي گيرند وبراي اينكه بگويند کدام پروژه سود آور می باشد ارائه مطلب می کنند)
* وقتی حسابداران می گویند واقعیت را گزارش ومنتقل می کنند در واقع حسابداران همزمان واقعیت را می سازند توجه را به سمت آن سوق می دهند وآن را شکل می دهند .
* دیدگاه اقتصاد سیاسی تاکید بر نقش گزارشات حسابداری در حفظ وتنظیم نظم اجتماعی دارد.گزارشات حسابداری وسیله ای هستند برای شکل دادن نظم اجتماعی موجود .
* برای مثال نگاه کنید به گزارشات مسئولیت های اجتماعی سازمان هااین ها می توانند بسیار مضر باشند واین احساس نگرانی را بدهد که کارهایی انجام شده بدون اینکه واقعا کار ی انجام شده باشد یا بر عکس بعد مشکلات را نشان دهد در حالی که فعالیتی درباره آن زمینه ها انجام نشده یا به میزان کافی نباشد . گزار شهایی که درباره مسئولیت اجتماعی سازمان ها ایجاد می شود ممکن که واقعیت موجود را تدوین وتبیین نکند .

به امید موفقیت دوستان - محسن بهادری